

فرهنگ جامع فرش یادواره

■ فرهنگ جامع فرش یادواره

■ نوشته: احمد دانشگر

■ انتشارات دی



شناخت روحیات بافندگان، طرز کار آنها، وضعیت زندگی و ... به انجام این کار راسخ تر شد. وی با بیان اینکه علمی کردن هنر و صنعت فرش نه تنها به ثبت و ضبط قوانین و رمز و رازهای این فن منجر شده و روند رو به تکامل خود را حفظ می‌کند، در عین حال باعث می‌شود که هنر فرش با زبان علمی به جهانیان عرضه شود. همچنین این نکته که دانش فرش بافی همچون سایر علوم نیاز به توسعه دارد و حضور افرادی دلسوز را که بتوانند راز و رمزهای آن را مکتوب نمایند متذکر شده و یادآور می‌شود که پرورش این افراد نیازمند ایجاد موسسات علمی و پژوهشی در مقاطع مختلف است تا بتوانند کاستی‌های پژوهشگران نسل‌های گذشته را جبران کنند. کتاب فرهنگ جامع فرش ایران نیز با همه کاستی‌های خود در راستای این هدف تألیف شده است. در هر حال این مجموعه به گونه‌ای گردآوری شده است که طبقات مختلف اعم از بافندگان، دانشجویان و استادان و حتی تجار ایرانی و غیرایرانی بتوانند بهره‌مند شوند. این کتاب با روش فرهنگ‌نویسی گردآوری شده و عناوین و مولفه‌های آن به ترتیب الفبایی ثبت گردیده است. مجموعه مطالب کتاب که در ۶۱۴ صفحه تنظیم شده است در شش موضوع تقسیم می‌شود:

- بخش عنوان‌های اقتصادی
- بخش تاریخ و جغرافیای فرش‌بافی جهان و ایران
- بخش رنگ و رنگرزی و شیمی رنگ
- بخش مربوط به نقش‌ها، طرح‌ها و طراحی
- بخش مربوط به مواد اولیه، اجزای فرش، بافت و دست‌اندرکاران
- مقیاس‌ها و سنجش‌ها
- جدول‌ها و فهرست‌های پایانی نیز خالی از فایده نخواهد بود.

در مورد این کتاب باید گفت که کارهای مقدماتی آن از سال ۱۳۴۴ شروع می‌شود. زمانی که آقای دانشگر از طریق بانک کشاورزی مأمور خدمت به اهالی ترکمن صحرا یا مرکزیت شهر گنبدکاووس شد. با توجه به علاقه شخصی و اهداف بانک کشاورزی بخشی از اعتبارات بانک در جهت اعتلای زندگی فرش‌با فان و ارتقای سطح کیفی و کمی فرش اختصاص یافت. در این راستا وی به محل سکونت کارگاهها و بافندگان مراجعه کرد و اعتبارات لازم برای تبدیل دارهای زیان‌آور افقی به دارهای عمودی را در اختیارشان گذاشت، و حتی نظارت بر ساخت دارهای عمودی را شخصاً عهده‌دار شد. منطقی‌ای که از بندر ترکمن در غرب شروع و تا نواحی غربی شهرستان بجنورد ادامه داشت. برای وی این سؤال مطرح بود که چرا مردمی که به قول پرفسور رودتکو (کاشف فرش ایرانی پازیریک) در ۲۵۰۰ سال پیش فرش پازیریک را با آن همه هنرمندی و ظرافت یافته‌اند، امروزه بدون انجام تغییرات عمده و به همان شکل و سیاق گذشته و با صرف نیروی انسانی زیاد، اما دریافت بهاء کم به کار خود ادامه می‌دهند. وی با مشاهده همین وضعیت در استان‌های دیگر از جمله: کردستان، خراسان، همدان و ... در جهت رفع نابسامانی‌هایی که ریشه در باورهای فرهنگی دست‌اندرکاران این صنعت داشت. به این نتیجه رسید که مشکل، علمی نبودن و قانونمند نبودن این هنر و صنعت است و با حفظ و نگهداری اصول و فنون آن از طریق ثبت و ضبط آنها در یک کتاب مرجع می‌توان گام‌هایی برداشت. زمانی که شروع به این کار کرد، پژوهش‌چندانی پیرامون هنر و صنعت فرش بافی نشده بود و به علت نبود مأخذ و منابع کافی، و عدم تحقیقات کتابخانه‌ای، بیشتر تحقیقات را با رفتن به روستاها و میان عشایر انجام داد. در اثر این ارتباط و

فرانسوی Taxe de dispence نامیده می‌شود و ما می‌توانیم آن را حرفیاً ترجمه کرده (حق معافیت) بخوانیم. برای اینکه از گرفتن این حقوق هم درباره صاحبان قالی جوهری مساعدت به عمل آمده و هم مقصود دولت در جلوگیری از تجارت و صنعت قالی جوهری متدرجاً حاصل شده باشد مقرر گردید که مأخذ (حق معافیت) متدرجاً بالا برود تا جماعت تجار از یک طرف بتوانند، تمام قالی‌های جوهری خود را به فروش برسانند و از طرف دیگر سود نامشروعی را که به ضرر هیئت جامعه مملکت از استعمال جوهر می‌برند به این ترتیب مضمحل دیده و رفته رفته از کاربردن جوهر منصرف شوند و رنگ‌های نباتی را یگانه وسیله رنگ آمیزی قالی‌های خود قرار دهند. بنابراین میزان حق معافیت از قرار ذیل معین شد:

- از اول برج میزان سیچقان نیل ٪۲
 - از اول خنل اودنیل ٪۶
 - از اول میزان اودنیل ٪۹
 - از اول حمل بارس نیل ٪۱۲
 - از اول میزان بارس نیل ٪۱۵
 - از اول حمل توشقان نیل ٪۱۸
 - از اول میزان توشقان نیل و مابعد ٪۲۰
- مأخذ اخیر که صدی بیست باشد با منع تجارت قالی جوهری معادل دانسته و حد یقف قرار داده شد.

تجار قالی فروش از ایرانی و خارجه از تاریخ اول میزان سیچقان نیل حق معافیت را از قرار صدی سه بدون هیچ اعتراضی پرداخته قالی‌های جوهری خود را شروع به حمل نمودند. از تاریخ اول حمل اودنیل حسب‌المقرر صدی شش از قیمت قالی جوهری تأدیه نمودند. اما وقتی که برج میزان اودنیل که صدی شش بایستی در آن تاریخ به صدی نه برسد نزدیک شد، تجار ایرانی (نه فرنگی) بنای داد و فریاد را گذاشته اولیای دولت را از هر طرف با عریاض و تلگرافات تظلم‌آمیز محاصره نمودند و طوری معززی الیه‌م را به ستوه آوردند که بالاخره قرار شد این مرتبه هم استثنائاً درباره تجار بفل رعایتی شده میزان صدی شش تا آخر قوس اودنیل به همین مأخذ باقی بماند و فقط از اول جدی اضافه شود. چون این مساعدت غیرمنتظره در حق آنها می‌بود افتاد تجار از نو تزلزل می‌کردند و ثبات قدم دولت مشاهده کرده خود را به تکرار تظلمات دربرنه محق دانستند. و این دفعه نه فقط عدم اضافه حق معافیت را طالبند بلکه تقاضا دارند که فدغن حمل قالی جوهری به کلی منسوخ شود و کما فی‌السابق در این رشته تجارت آزاد و مختار باشند. عجب در اینجاست که هیچ یک از تجار اروپایی که در ایران کارخانه و تجارتخانه دارند و از اینجا حمل قالی به خارجه می‌نمایند در این شکایت با تجار بومی شریک نیستند، بلکه بالعکس در کارخانه‌های قالی‌بافی خود جز رنگ‌های طبیعی ثابت ایرانی استعمال هیچ نوع رنگ دیگری را تجویز نمی‌کنند. و این خود دلیل‌بینی است...

